

پیوندی میان استاد و دانشجو

ملی بیست و پنج سال گذشته رژیم خودکامه ایران، پیروز بود، اما در آن خاموشی ظاهر از افراد، دسته‌ها با توسل به تمام رسایل بازدارنده و منحرف‌کننده جمعیت‌ها مراکز بودند که به نسبت مبارزه وسیع سعی داشتند تمام ارگانهای جامعه مسلط شود و ویکه‌ارچه‌امروز، آتش مقاومت را در زیر خاکستر نگه داشتند، یا نگاه‌ها با نشان دادن چهره‌های توده مراکز میانی اجتماع اعمال کنند، و نا اوج تنالیات رسم مردم را متوجه خاموش شدن یکسره مبارزه کردند.

این تلاش و کوشش به قیمت زندانی شدن نهاسکتجه بنا و برپایی دادن های فراوان ادامه یافت. در این میان مراکز را می توان یافت که ست از مبارزه مستمر و بیگیر بزنداشتند، دانشجویان و مبارزانی که در خارج از کشور بودند، بیس از طرفیت امکانات محدودی که داشتند در راه آزادی هموطنان خود از زیر بار حکومت خودکامه می جنگیدند، در داخل نیز جناح پیشرو و مبارز روحانیت، احزاب و دسته‌هایی که با ارامات مبارزات دکتر مصدق را برداشتن داشتند، گروه‌های روشنفکری، و از سال ۴۸ بعد جوانان آرمانخواهی که تبلیغات مسلحانه را شعار خود قرار دادند، هر یک کم و بیش ضامن استمرار مبارزات آزاد یخواهان بودند.

دانشجویان به سبب موضوع و موقع خارج خود لحظه ای از مبارزه دست نکشیدند، پرچم را از نسلی به نسل دیگر سپردند و علاوه بر مبارزات دانشجویی در حوزه های دانشگاهی، به هر یک از دسته‌هایی که بر سر مردم خون و نیرو رساندند.

از زمانی که تنها دانشگاه تهران را داشتیم و تعداد دانشجویان چیزی بیش از ده هزار نفر نبود تا امروزه در هر مرکز اسانی دانشگاهی می یابیم چشم ما به مبارزات و مجاهدات دانشجویی بوده و دست. شاید به همین سبب و به سبب اینکه رژیم خودکامه نمی توانست دانشگاهها را تضعیف کند، پیوسته در بهترین توطئه‌ها و نقشه‌ها را برای خنثی کردن جاشنی بعب مبارزات مردم وی اثر کردن نقش دانشگاهها و دانشجویان در مبارزات مردم به مرحله اجرا در آورده است. مسلط کردن عالیجنانی ها، نهادنی ها، گنجی ها و امثال فراوانشان

سخن روز

فتح دانشگاه

دعوت عام سازمان ملی دانشگاهیان را جمعیتی متجاوز از ۲۰۰ هزار نفر پاسخ گفتند و در مراسم بازگشایی دانشگاه تهران طیرغم نبودن وسیله شرکت کردند.

در ساعت ده و سه ربع صبح شنبه با احترام تمهیدان بود دقیقه سکوت اعلام شد و آنگاه آیتاله طالقانی بازگشایی دانشگاه را به دانشگاهیان و به طاعت ایرا تبریک گفتند. آیتاله طالقانی اظهار امیدواری کردند که دانشگاه را آینده با همکاری روحانیون مرکز تحقیقاتی برای علوم اسلامی شود. آیتاله در سخنان خود اشاره به زمانی کردند که دانشگاه بوسیله عال و مردوران هیئت حاکمه از راه فرهنگی و علمی خود منحرف و مرکزی برای طرح نقشه های استعماری در زمینه فرهنگی شده بود و دست های پلیدی در کار توطئه چینی و از بین بردن استقلال دانشگاه بودند. آیتاله امید داشتند که اکنون دانشگاه در پاك سازی و بازسازی کادر علمی و اداری خود پیشگام شود و این مرکز علمی را مجدداً محلی برای آموزش و تربیت افراد محقق و متفکر سازد.

جنبش

شماره ۲۳
۱۰ ریال

قالب و محتوی انقلاب ما

انقلاب اجتماعی ایران از درون خصوصیات تاریخی و قومی مردم جوشیده است، همه جنبش‌های تاریخی ریشه و اساس از بیعدالتی و ظلم است، و در این زمینه همه جنبش‌ها را بر جنبش دیگر ارجحیتی نیست، هر جنبشی دارای خصوصیات زمانی و مکانی خویش است و در تکامل شرایط تاریخی از ترکیب عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی بوجود می‌آید.

تاریخ نهضت‌های آزاد یخواهی ایران در قرن اخیر نظیر همه جنبش‌های تاریخی هدفش نابودی بیعدالتی و استبداد بوده است، در آن روزگار محتوی انقلاب اجتماعی ایران معطوف به معو آثار صاهری و نسانه‌های بیرونی بیعدالتی یعنی استبداد مصلحه سلاصین بود و در جستجوی قالب این انقلاب نهضت مشروطه در دام جاذبه‌های سطحی دموکراسی بوزوازی غربی و قالب سلطنت مشروطه آن در افتاد، و این قالب به سرعت در زیر سلطه استعمارگران انگلیسی به صورت نخستین خود یعنی سلطنت استبدادی و همه آثار ظلم و بیعدالتی آن درآمد.

پس از جنگ دوم جهانی بخشی از روشنفکران غرب زد نما سرخورده از حیل‌های سرمایه داری غرب و روابط استعماری ستمگانه آن به قالب دیگری از تحول انقلابی سرمایه داری صنعتی غرب یعنی مارسیسم رو آوردند، این قالب نیز بدون اینکه به تجربه انقلابی توده‌های ستمدیده ایران زد منسود و از ریشه خصوصیات فرهنگی و جغرافیائی و اقتصادی ایران تغذیه شده باشد در برخورد با سلطنتیات و نیازمند بهای ملی و قومی و مذهبی جامعه با شکست روبه روشد.

زیرا محتوی این ایدئولوژی هم با از خود بیگانگی ناشی از تقلید نتوانست با نیازهای توده‌های ایرانی رابطه برقرار کند. و امروز در جهانی که پس از شکست در دیالکتیک انترناسیونالیسمی در جستجوی هماهنگ کردن محتوی انقلاب خود با قالبی برآمده از خصوصیات تاریخی و جغرافیائی خویش است، جنبش انقلابی مردم ایران با رزترین خصوصیات این جست و جورا نشان می‌دهد.

میشل فوکو فیلسوف نامدار فرانسوی در سفرهای اخیر خود به ایران این خصوصیت را در معنوی سیاسی می‌نامد. مردمی سرخورده از هجوم ایدئولوژیهای غربی در قرن اخیر که استعمار و استار اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ساختن ترین آثار آن بوده است اکنون در اعتراض خود بر علیه بیعدالتی در ژرفنای مایه های انقلابی تشیع چارچوب محتوی و قالب انقلاب اجتماعی خود را میسازند.

چلچوبی که از ریشه تعلق ایدئولوژیهای وارداتی بیگانه آزاد است، رهایی از اسارت مادی و اقتصادی را با معنوی درمی آمیزد که در آن شرایط تعبیر قدرت و استقرار استبداد و خودکامگی را در همه وجوه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خود منتفی میسازد. معنویت سیاسی یک تخیل و تصور ساده و یا مبتنی بر ساد مولوجی های فرهنگی یک جاه، نه نیست بلکه تلاشی است ناشی از سرخوردگی های گوناگونی که جامعه ما در برخورد با نظام استبدادی خود و ایدئولوژیهای وارداتی بیگانه بدست آورد ما است.

اسلام و سیاست

اسلام و جنگ طبقاتی

دنیاه مطالبی که هر ماه تحت عنوان "اسلام و سیاست" داشتیم بچند شماره ای بعلت کثرت خبرها قطع شد. از این شماره باز این بحث تحلیلی را شروع می کنیم:

"الَّذِينَ آمَنُوا، يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا"

یعنی: کسانی که ایمان دارند در راه خدا بیکار می‌کنند و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت بیکار می‌کنند، با دوستان شیطان نبرد کنید که نهنگ شیطان ضعیف است.

در این آیه ها "ایمان و سبیل الله" در کنار هم قرار دارند، کسانی که ایمان دارند و در راه خدا گام می‌نهند. ایمان به بیکار نماند خوانده می‌شوند و راه خدا و ایمان، راه بیکار و بخاطر مستضعفین و بیچارگان است، راهی است که به مبارزه با طاغوت و یاران او و شیطان و دوستان ختم می‌شود.

در این آیه ها طریق سفسطه بر اهل فرار و گریز از مبارزه بسته می‌شود، های توجیه‌کنندگان و بزرگان اهل مباحثه و فلاسفه و اند پشمنانی که علم و دانش خود را

در خدمت توجیه ترس و طمع خود می گیرند لکن می گردد . زیرا انسانی که به تهود قانونی و اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی تیره ستمگران ، مقید ، اسیر می شود ، بسیاری رهایی جاره ای جز نبرد ندارد . و هر اجتماعی که در آن فقر و جهل و ظلم و گرسنگی در کنار ثروتها و قدرتها و اسراستها قرار گرفته باشد ، نظامی جز نظام جبار و مستبد و خودکامه طبقاتی ندارد . بنابراین هر انسانی که از این ترکیب مخالف فطرت و غیر طبیعی و ظالمانه آگاهی یابد ، خود به خود برای نبرد و به کار مسئول و ملزم می شود . و هیچ توجیه و عذر و بهانه ای قادر به نفی این التزام و تعهد انسانها برای بیکار با ظلمت و یاران ظلمت و دوستان شیطان نمی باشد . در این آیه ها ایمان ، با بیکار مترادف می شود و هیچ انسان با ایمانی در اجتماع ظالمانه نمیتواند بهیچ عذری از معاذ پسر در عرصه بیکاری یعنی از امر به معروف و نهی از منکر با دست و زبان و قلب خود بگریزد .

این بیکار یعنی بیکار ستمکشان بر علیه ستمگران در کنار بیکار مداوم انسان بسا طبیعت نیروی محرکه تاریخ است ، در پیام محمد به مردم با ایمان امر می شود که به خاطر بیکاران و در کنار ستمکشان بیکار کنید . در اینجا باید به ستمگری و ستمکشی به مفهوم اجتماعی و اقتصادی آن توجه کرد زیرا این توجه در شناخت مسئله ایمان و بیکار و فلسفه مبارزه در زمینه شمول جهانی پیام صادق و فارغ از حضر ظاهری اسلامی آن اهمیت شایانی دارد . بخاطر ستمکشان و در راه خدا بیکار کنید . بیکار برای چه و در راه چه هدفی ؟ بیکار نه به صورت روبرو شدن گزهی انسان ، بیکار در پیام محمد رهبر گروه بهام راستین ، مبارزه با ریشهها و علل ستمگری و ستمکشی از سویی و نبرد با ستمگران در کنار ستمدیدگان از سوی دیگر می باشد . چه چیزی ستم و ظلم را به وجود می آورد ؟ شکل تولید ، یعنی آنچه چیزی که اجتماع را به دو طبقه استثمار کننده و حاکم و استثمار شونده و محکوم تقسیم می کند ، آنچه چیزی که نظام تولید را به نفع گروهی و به ضرر گروه دیگر به وجود می آورد ، مبارزه با علل یعنی عواملی که به ثروت و غنای عدمای و به فقر و رنج گروهی دیگر منتهی می شود ، به این ترتیب نبرد برای ستمدیدگان و در برابر ظالمین دارای عنصر مادی قابل لمس است ، وجود مادی دارد ، این وجود مادی قابل لمس در قلمرو فی سبیل الله گنجانده می شود ، زیرا استثمار و ظلم و ستم و بهره کشی انسان از انسان در شکل تولید ایجاد می شود ، در شرایط مادی بهره کشی است که نزاع و کشمکش طبقاتی پایه گذاری می شود ، در این شرایط است که انسان از نظر مادی و معنوی به اسارت و بردگی کشیده می شود و به راه پرستی اصنام و بت پرستی و جاهلیت فرهنگی و مدنی می افتد ، در این شرایط است که شکل طبقاتی تولید و نظام بهره کشی انسان از انسان ، تخم ترس و وحشت و تسلیم و اطاعت و خاموشی و سکون را در دل ستمدیدگان می باشد و نهادها و تاسیسات اجتماعی و اقتصادی اجتماع را بر پایه زیر و بیعدالتی بنا می کنند . می بینیم که ریشه کلیه اشکال مبارزه طبقاتی در مبارزه اقتصادی طبقاتی است ، آغاز ستم و ظلم انسان به انسان آغاز استثمار و بیکاری و بهره کشی انسان از انسان است ، ستمگران با این استثمار اجتماع را به دو گروه تقسیم می کنند ، و مبارزه طبقاتی برای شکستن شکل ظالمانه تولید و نظام بهره کشی می باشد ، آنها می خواهند پیام محمد و اسلام را از عنصر مادی این مبارزه جدا کنند و آنرا به آسمانهای لا یتناهی و به فضا های غیر قابل لمس و برکنار از زندگی روزانه اجتماع یعنی شکل تولید و نظام بهره کشی و ریشه های مادی مبارزه طبقاتی بپسندند در حقیقت ، ما از جوهر پیام اطلاعی نداریم و به نفع آنها در اینست که با خالی کردن پیام از محتوی اصل خود پیام را وسیله ای برای توجیه قدرت قرار دهند و به مردم ساده دل چنین بنمایانند که قلمرو رسالت محمد و پیام او در قوای سیاست و زندگی روزانه و مسائل معاشی و مادی مردم قرار دارد ،

دلالتی از کلامهای معرفی کمپانیها انبیاست ،

برای این جامعه فکر خدمات متناسب نشد . هرچیزی در تولید و توزیع مواد ضروری ، هرچیزی در توسعه شهرها ، هرچیزی در رفعت و آمدن مردم و توسعه نیافتن وسایل عمومی ارتباطی همه جا را گرفت . به همین علت و علت های دیگر نبودن تربیت عمومی اجتماعی ، وقتی که موج اعتصابات همه جا تیر شد ، قتهائی از توده مردم را وحشت فحشلی فرا گرفت . صف نفع ، صف بنزین ، صف نان و صف هر یک از مواد مورد احتیاج زندگی روزانه در چند روز او اعتصابات ، حتی مبارزان با تجربه را به تاخیر وادار میگرد . گاهی میسر بیندیشی که ادامه اعتصابات به تحریک عوامل دستگاه نیست ؟ یا اگر چنین نباشد نتیجه اش به نفع بقایای دستگاه استبداد تمام نمی شود ؟

ولی هوسبازی مردم ، تار شبانروزی و خستگی ناپذیر هسته های زنده معاوضه دور و شخصیتی که جنبش آزاد یحواضانه به مردم میدهد و ایمان پیرو جوان وزن مردمی که هرگز در مبارزه سهمی دارند مایه پیدا شدن عکس العمل فوری و وسیع قشرهای فعال در برابر مشدات روزمره زندگی شد . جوانان در سطح وسیع و با هوسبازی کاملی وارد میدان شدند آنها که تمام وقت را در مبارزه برای محو آثار استبداد میکردند ، فوراً متوجه شدند که تحریک هر صف و سپاهی وابسته به نیروی پشتیبانی و ضم در رساننده حوائج روزمره دارد . جوانانی که در اثر بد آموزیهای دستگاه فاسد حاکم تادیروختی حاضر به قبول مسئولیت و کمند در کارهای خانواده نبودند ، امروز با قطع برق و پیداشدن راه بندان بر سرچهار راهها می دوند و ساعتها با شور و شوق ماسینهارا را نغمائی میکنند ، نفت و بنزین و نان و ارزاق را در هر مرحله با ابتزازات محلی و تشکیل کمیته های تعاون تقسیم میکنند . با تلاش سبانه روزی و خستگی ناپذیر از سوئی به شرکت مستقیم در تظاهرات آزاد یخواها می پردازند و از سوی دیگر برای سایرین از راه ایجا نضم در رساندن ارزاق فرصتهائی بوجود می آورند تا در تظاهرات شرکت جویند و وقت خود را در صف های مختلف هدر دهند . دیروز صبح زود ، دو جوانی که زنگ خانه ما را زدند و مؤذ بانزاله ها را برای بردن خواستند ، یکی دانش آموز بود و دیگری دانشجوی سال آخر پزشکی . پرسیدم اگر کشیک بیمارستان و رسیدگی به زخمیها و بیماران را رها کرده است تا به این کار برسد حاضریم فوراً بجایش این کار را بکنم که آن کار از من بر نمی آید ، جواب داد روزهای استراحت را به این کار می پردازد . بعد از نماز صبح تا ساعت ۸/۵ بعد کارهای دیگری دارد .

به تحسین ایستادم که در سالهای جوانی ما احزاب سیاسی با سالها کار نتوانستند چنین مدرسه ای برای ما باشند که این جنبش سیاسی جنبشی عظیم و فرهنگی ، مدرسه ای عالی است .

شهر ما و این همه پیشرفت ؟

هر دود بر این نسل جوان و پیروز یاد جنبش مردم ما در راه بدست آوردن آزادی .

ابراهیم یونسی، مبارز سخت کوش

کسانیه با ادبیات سروان دارند نمی شود نام
 دکتر ابراهیم یونسی را ننسیده باشند. ترجمه های ناممائی آنان را از میدان مبارزه دور کند. نام بزرگ او از آثار ادبی جهان و تحقیقات با ارزش او در زمینه مسائل ادبی نامش را در ردیف دوستان انگشت شمار مترجمان و نویسندگان دقیق و امین و زائر زمانه آورده است و کسانیکه با تاریخ مبارزات سیاسی و مبارزان سیاسی احیای ایران آشنایند می دانند که دکتر ابراهیم یونسی سلامت جسم و جسمی ارزندگی خود را در راه آزادی و مبارزات مردم ایران اردست داده است.

فتح دانشگاه بقیه

ایتاله طالعانی سخنان خود را با تیر پیک آیتاله العظمی خمینی به پایان بردند.
 سخنرانان بعدی نماینده سازمان دانشگاهیان نماینده دانشجویان، نماینده کانون وکلای ایران و نماینده مطبوعات بودند که همگی نقش دانشگاه را در مبارزات ملت ایران ستودند.
 سپس نماینده های از سازمان پزشکان و دکتر سنجایی از جبهه ملی و دکتر بهشتی از جانب روحانیون تجدد فعالیت دانشگاه را به ملت ایران و ویژه دانشگاهیان تیرت گفتند و آرزو کردند که دانشگاه بتواند وسیله اصلی خود را نه تربیت افرادی روشنگر، با اراده و مستقر در تفکر و صاحب شخصیت اخلاقی و علمی باشد بنحویست که ایفا کند.

دکتر سنجایی سخنران بعدی بود که از سوی نهضت آزادی، پیوند هر چه بیشتر دانشگاهیان را با ملت ایران آرزو کرد. او تحصن ۲۰ روزها ستاد مبارز را تیرت گفت و مبارزات ملت ایران را برهبری آیتاله خمینی ستود. سپس دکتر لاهیجی از جانب سازمان حقوق دانان ایران آغاز سخن کرد و نجات ملت ایران را از دست ساهم استبداد به کف مبارزه کیری که ملت ایران آغاز کرده است، آرزو داشت.
 دکتر لاهیجی نمودن احتمالی دیگر را تومینی به ملت ایران دانست و نیا را بشهادت گرفت که مردم این کشور تا نتیجه نهائی از مبارزه و ایثار جان خود دریغ نخواهند کرد.

پس از سخنرانی نماینده جامعه کارکنان دانشگاه آقای گلشن پیام آیتاله خمینی از طرف آقای دکتر عباس شیبانی قرائت شد. سخنرانان بعدی آقایان میناچی و مانیان بودند که برای ملت ایران در این مبارزه خطیر آرزوی توفیق داشتند.

در کنار جمعیت انبوهی که دعوت سازمان ملی دانشگاهیان را پذیرفت و بدینوسیله پیوند مردم دانشگاه را مستحکمتر از همیشه متجلی ساخت آنسبه پیش از همه چیز چشم میخورد شعارهای متعددی بود که دانشگاهیان و سایر قشرهای مردم ایران را به اتفاق و اتحاد در این مبارزه تشویق میکرد.

آنچه برای استادان و هیئت علمی مبارز دانشگاه در روز آغاز گسایش مجدد دانشگاه میتوانست تجربه باشد، آرزوی قلبی نمایندگان ملت ایران و سازمانها و گروههای مختلف روشنگران، روحانیون، دانشجویان و نارمندان بود که همه بازسازی و پاکسازی این مرکز علمی را از کسانیکه رگدشته فکری و فکری خود را در خدمت استبداد و اعمال آن گذارده بودند، آرزو داشتند.

جنبش، برای مبارزه ملت ایران توفیق هیئت علمی دانشگاه تهران را در این پات سازی از مصمم قلب خواستار است.

در باره، انتشار لیستها و نحوه، افتادگی و لزوم وقت و امانت در کار افتادگی، در چند شماره، جنبش توستیم و در وبسایت روزنامه های خبری روز پس از پایان اعتصاب پیروزمندانه، خود در این زمین نیز توست کردند. باز هم به مردم مبارز خود یاد آوری می کنیم که در نحوه، انتشار لیستهای وابستگیان وقت و امانتی بیشتر بکار ببرند و در صورتیکه به نامهای مردم شریف برخوردند تحقیق کنند شاید دستهای

در این راهی که به سوی روشنی های فرد امیروم به عنوان دانشجویان دست استادان مؤمن به آزادی را بغشیم، اکنون که در کنارمان هستند، در کنار شما باسیم. نیروی حیات را با تجربه در هم آمیزیم و سایر و مدد کارشان باشیم تا در فرصت مناسب کار تصفیه محیط علم را، اعمال دمکراسی را در اداره امور دانشگاه ساودانشکده ها، و اصلاح برنامه های درسی را - همراه با نیازهای آینده مزید یکی که آموزشی و فرهنگی و اقتصاد و جامعه های مستقل احتیاج داریم هر چه دقیقتر و هر چه روشن تر انجام دهند.
 پیوند انسانی معلم و شاگرد از مقدس ترین پیوند کسانیه است که در آینده نزدیک رس خوانده ها ما است. بکوشیم تا این پیوند را هر چه مستحکم تر و نارسا نمان زید های را خواهد پرورد.

پیوند، میان ... بقیه از صفحه ۱

به دانشگاهها، طرح توطئه برای سوق دادن دانشجویان به سوی کاباره ها و رقصخانه ها و سر گرمیها و تفریحات پستکه توفیقی نداشت، و اخراج و بازنشسته کردن بيموقع استادانی که پاراز دایره احتیاط بیرون میگذاشتند جزئی از این توطئه وسیع بود. اما از آنجا که صبیعت دانشگاه است، امروز می بینیم که یکی از شعبه های شکوهمند مبارزات مردم ایران از دانشگاههای ایران زبانه می کشد. دانشجویان به ازای قربانیهای که داده اند، زندانیهای که کشیده اند و سرکوبیهای که نموده اند، شرف و شرف انسانی خود را باز یافته اند. در سال جاری علیرغم تعطیل ظاهری کلاسها، دانشجویان و دانش آموزان کشور بهترین و بزرگترین درسهاراد را در اجتماع، در کوبه و حیایان و چار دیواری دانشگاه میدرسه، در کنار خواهران و برادران مبارز خود گرفته اند. آموخته اند که انسان شریف زیر بار ظلم و تحقیر نمی رود و با مداومت مبارزه و بغیروی، مقاومت شرف انسانی خود را باز می یابد.

در این مبارزه و در این پیروزیهای روز به روز امیدوارکننده، سهم استادان و معلمان را نباید نادیده مانگشت. استادان و معلمان نیز علیرغم تسفیه ها، فشارها و تهدید و تضحیح ها و دشواریهای دانشجویان خود و در کنار آنان در صف مبارزه ایستاده اند و با قدمهای بلند پیش میروند و کوشش دارند فرصتهای از دست رفته را جبران کنند. یقین است که پس از پیروزی کامل نور بر ظلمت و حق به ناحق در دانشگاهها و مدارس کلاسهای زنده تر، استادان و معلمان امیدوارتر و کوشش تر خواهند داشت. چشم مردم ایران به پیوند کسانیه است که در آینده نزدیک رس خوانده ها ما است. بکوشیم تا این پیوند را هر چه مستحکم تر و نارسا نمان زید های را خواهد پرورد.

بقیه از صفحه ۱ قالب و محتوی ...

مسئله اساسی انقلاب ما برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی و نابودی کلیه بنیاد های سیاسی استبدادی حاکم بر جامعه است. این عدالت را انقلاب ما باید بکلی فارغ از ضوابط المان سرمایه داری و سیوه های گوناگون بهره کشی آن باشد. این عدالت باید موجد قدرت زحمتکش و حاکمیت آنها بر سرنوشته خویش باشد. این عدالت باید از هرگونه وابستگی به کانونهای استبدادی و استعمار جهانی رها باشد.

با اینجهت محتوی انقلاب اجتماعی ما مشخص است و همه گروهها و همه احزاب و همه افرادی که در تحول این تحول قرار می گیرند راهی جز قبول این ضوابط ندارند.
 مسئله اساسی تنظیم قالبی است که نظام سیاسی ما را شکل می بخشد یعنی معنویت سیاسی این نظام را هویتی انسانی می بخشد.

ما در تلاش ایجاد این هویت انسانی و این معنویت سیاسی هستیم. و در این تلاش هر انسانی و هر گروهی میتواند خارج از عقده های که بطور مستقیم ناشی از کمبود آگاهی های فرهنگی و سیاسی است با شهامت و شجاعت در راه همبستگی و اتحاد و تشکیل مبارزه عظیمی که در پیرپای مردم ایران فرار دارد گام بردارد.

بقیه از صفحه ۳ اسلام و جنگ ...

در اینجاست که فلسفه و حکمت و کلام برای توجیه غیر مادی بهام و انحراف از سبیل الله که بجزی جز جهاد و مبارزه برای رهائی انسان نیست به کف گرفته می شود. فلسفه و حکمت در تبیین واقعی، بیان نظری مبارزه مظلوم با ظالم است. جوهر فلسفه و هنر و فرهنگ در مبارزه متمکنان با ستمگران است. اگر فلسفه و حکمت جز اینسن باشد در حقیقت وسيله بیان و توجیه فرهنگی و نظری قدرت ظالم و استثمار طبقه حاکم می شود.

